



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

گرنش به دیکتاتوری

داوود مهدوی زندگان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گرنش به دیکتاتور

نویسنده:

داوود مهدوی زادگان

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی مطبوعاتی جام جم

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ کرنش به دیکتاتور
۶ مشخصات کتاب
۶ مقدمه
۶ آمریکای لاتین
۶ اشاره
۶ شیلی
۷ نیکاراگوئه
۷ آرژانتین
۸ آفریقا
۸ اشاره
۸ اتیوپی
۹ اوگاندا
۱۰ لسوتو
۱۰ لیبیا
۱۱ پاورقی
۱۳ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

گرنش به دیکتاتوری

مشخصات کتاب

مؤلف: داوود مهدوی زادگان

برگرفته از کتاب:

بہائیت آن گونه که هست / مؤسسه جام جم / چاپ اول / ۱۳۸۷

مقدمه

در طول سالهای سیاه پس از جنگ دوم جهانی که دنیا به دو بلوک شرق و غرب به رهبری آمریکا و شوروی تقسیم شده بود، ابرقدرتها برای حفظ رژیم‌های متمایل به خود در کشورهای مختلف از هیچ کوششی دریغ نداشتند و حکام این کشورها نیز برای حفظ خود، از اهرمهای خشونت و جنایت و سلب آزادی‌های فردی و اجتماعی و تحمیق مردم به راحتی و وفور بهره می‌گرفتند. در این شرایط، بهائیت در این کشورها وارد شد و تحت حمایت دستگاههای حاکم، با آزادی و امکانات فراوان به تبلیغ پرداخت، چرا که آن رژیمها می‌دانستند که با دو شعار بهائیان: «عدم دخالت در سیاست» و «اطاعت از حکومت»، هر فرد که بهائی شود، از میدان مبارزات آزادیخواهانه خارج گردیده و به صف طرفداران دیکتاتوری حاکم می‌پیوندد. بهائیت در این زمینه کارنامه عبرت‌انگیزی دارد که وی را در نظر آزادگان جهان در حد عمال رژیم‌های دیکتاتوری پایین می‌آورد. در این مقاله برآنیم تا با استفاده از منابع بهائی، شواهد گویایی را از قاره‌های مختلف به خوانندگان هوشمند و منصف تقدیم داریم:

آمریکای لاتین

اشاره

این منطقه در طول جنگ سرد به «حیات خلوت آمریکا» معروف بود زیرا هیچ رژیمی در آنجا بدون دخالت ایالات متحده بر سر کار نمی‌آمد و سران آن رژیمها باید در همه زمینه‌ها خود را با آمریکا هماهنگ می‌کردند اگر کسی نیز - همچون سالوادور آلنده رئیس جمهور مردمی شیلی - از این قانون نانوشته تخطی می‌کرد به اشد مجازات محکوم می‌شد. در زیر تحرکات بهائیان در شیلی، نیکاراگوئه، آرژانتین و بولیوی را به صورت بسیار مختصر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

شیلی

وقتی در سپتامبر ۱۹۷۰ دکتر سالوادور آلنده در انتخابات ریاست جمهوری به پیروزی رسید، دولت وحدت ملی را با مشارکت همه گروههای مردم تشکیل داد و به اجرای سیاست‌های خود که مورد پسند آمریکا نبود، پرداخت اما ایالات متحده بیکار نشست و با طراحی کودتایی وحشیانه که در نوع خود از بدنام‌ترین آنها در آمریکای لاتین شمرده می‌شد. [۱] با بمباران کاخ ریاست جمهوری و قتل رئیس جمهور منتخب و مردمی، دیکتاتوری به نام ژنرال پینوشه را بر سر کار آورد که تا سال ۱۹۹۰ با خفقان فراوان بر این کشور حکومت کرد و در طول این دوران سیاه با راه‌اندازی عملیاتی موسوم به «کاروان مرگ» بسیاری از مخالفان خود را به شکل فجیعی سر به نیست کرد. [۲]. تیرماه سال ۱۳۵۷ که مبارزات مردم مسلمان ایران اوج گرفته بود و نفرت عمومی از دیکتاتورهای هم چون محمدرضا پهلوی و پینوشه زبانه می‌کشید، نشریه اخبار امری ارگان رسمی محفل روحانی ملی بهائیان ایران عکس روی

جلد خویش را با ذوق زدگی به دیدار نمایندگان جامعه بهائی شیلی و آمریکای جنوبی با پینوشه اختصاص داد و در صفحه دوم جلد نوشت: «چندی قبل، نمایندگان جامعه بهائی شیلی با حضرت رئیس جمهور آن کشور جناب پینوچیو ملاقات کردند. در این ملاقات...، حضرت رئیس جمهور، نمایندگان جامعه بهائی را با گرمی و خوشرویی پذیرفتند و درباره اهداف و مقاصد و خدمات بشر دوستانه جامعه جهانی بهائی صحبت کرده، آنها را ستودند و موفقیت جامعه بهائی را آرزو کردند... جریان این ملاقات با عکس و تفصیل از وسائل ارتباط جمعی شیلی (راديو، تلویزیون و مطبوعات) منتشر شد.» [۳]. پینوشه که همه صداهای حق جویانه را در گلو خفه و همه گروههای آزادیخواه را سرکوب کرده است، به بهائیان اجازه فعالیت می‌دهد و آنها را «با گرمی و خوشرویی» به حضور می‌پذیرد و مورد ستایش قرار می‌دهد و موفقیت ایشان را آرزو می‌کند. آیا این جز هماهنگی و همدلی بهائیت با او را نشان می‌دهد؟

نیکاراگوئه

وقتی در سال ۱۹۳۴ ساندینو قهرمان ملی نیکاراگوئه با نظر مساعد آمریکا توسط آناستازیو سوموزاگارسیا به شکلی ناجوانمردانه به قتل رسید، اداره این کشور تا سال ۱۹۷۹ در اختیار خاندان سوموزا قرار گرفت. در این حال مردم به جان آمده از ستم سوموزا در نیکاراگوئه در سال ۱۹۶۱ جبهه آزادیبخش ملی ساندینیست را تشکیل دادند تا با این رژیم وابسته و ستمگر به مبارزه برخیزند که مبارزات آنها ثمر داد و بالاخره در سال ۱۹۷۹ توانستند به پیروزی برسند. در اوج اختناق سوموزا، هیأتی از بهائیان نیکاراگوئه از سوموزا درخواست ملاقات می‌کنند، خانم ژاله عهدشوقی که از بهائیان مهاجر به آن کشور است. در گزارش خود که در نشریه رسمی بهائیان ایران به چاپ رسیده است می‌نویسد: ملاقات با حضرت رئیس جمهوری (ژنرال آنا سیوسوموزا) میسر نگردید ولی ایشان تلگرافی در جواب عریضه محفل روحانی ملی ارسال [کردند] مبنی بر این که منشی رئیس جمهور... باکمال میل مسئول محفل را به نام رئیس جمهور خواهد پذیرفت. [۴]. هیأت نمایندگی ۵ نفره محفل در ۸ فوریه ۱۹۶۹ به ملاقات منشی سوموزا می‌شتابند. در این ملاقات رئیس بهائیان (سلومون اسکالاته) بر نکته‌ای تأکید می‌ورزد که خواست و مطلوب همه دیکتاتورهای عالم است. او می‌گوید: بهائیان در هر کشوری که زندگی می‌کنند، مطیع دولت و افرادی صلح جو و سازنده می‌باشند لذا بدین مناسبت، محفل ملی نیکاراگوئه یک نوع بیانیه‌ای... تقدیم می‌دارد. این هدیه نیز مورد توجه قرار گرفت که عبارت بود از بیانات مبارکه حضرت بهاءالله راجع به اطاعت از حکومت و تحت عنوان «وفاداری نسبت به حکومت» نامیده شده بود. [۵]. گزارشگر جلسه سپس در توصیف فضای مذاکرات و برخورد مثبت منشی رئیس جمهور می‌نویسد: در تمام طول مصاحبه یک حالت دوستانه و صمیمیت حکم فرما بود و دکتر اینسر بارکرو به مجرد اطلاع از هدف ما بلافاصله عکاس رسمی را خواست و برای ثبت این مراسم دو عکس به آن مناسبت گرفته شد. [۶]. سپس خانم عهد شوقی با شوقی فراوان می‌افزاید: «این بدیهی است که حال با ابلاغ کلمه مبارک به رئیس جمهور این کشور، فعالیت‌های امری با اطمینان خاطر بیشتری و با حرارت بیشتری دنبال خواهد شد.» [۷].

آرژانتین

این کشور همواره مورد طمع صهیونیست‌ها بوده و این جماعت در آن نفوذ عمیقی دارند که در میان کشورهای آمریکای لاتین کم‌نظیر است، برای این منظور مهاجرت گسترده یهودیان به بوئنوس آیرس (پایتخت آرژانتین) صورت پذیرفت به طوری که جمعیت یهودیان این شهر در سال ۱۸۸۷ فقط ۳۶۶ نفر بود در حالی که این جمعیت در سال ۱۹۶۰ یعنی ۷۳ سال بعد به ۲۵۰ هزار نفر رسیده بودند. به این ترتیب ساکنان غیریهودی در این مدت در بوئنوس آیرس ۱۵ برابر شده در حالی که تعداد یهودیان در همین مدت به بیش از ۶۵۳ برابر رسیده است. [۸]. از حیث داخلی نیز تاریخ سیاسی آرژانتین در دو قرن اخیر به چند دوره تقسیم

می‌شود که کارشناسان، فاصله سالهای ۱۹۵۵ تا ۱۹۸۳ را «دوران سیاه ترور و وحشت» نام نهاده‌اند زیرا کودتاهای مکرر نظامیان و نفوذ حاکمیت آنها بر کشور، تاریک‌ترین روزها و سالها را برای مردم آرژانتین رقم می‌زند. در سال ۱۹۶۶ ژنرال اونگانیا به قدرت می‌رسد اما همو در سال ۱۹۷۰ طی کودتایی دیگر توسط ژنرال لانوسه از کار برکنار می‌شود و ژنرال لانوسه ژنرال لونینگستون را به جای او می‌گذارد اما پس از ۷ ماه چون لونینگستون مطابق میل وی رفتار نمی‌کند، او را نیز برکنار می‌کند. و خود زمام امور را در دست می‌گیرد [۹] و با اقتدار و خشونت بر مردم آرژانتین حکم می‌راند. در این هنگام محفل ملی بهائیان آرژانتین مطابق معمول برای ابراز وفاداری و اطاعت از «ژنرال» چند نفر از اعضای خود را به دیدار با رئیس جمهور می‌فرستد. مجله رسمی بهائیان ایران نیز عکس این دیدار را با خوشحالی درج می‌کند تا اغنام الهی با مشاهده آن روحیه پیدا کنند. [۱۰].

آفریقا

اشاره

این قاره پهناور، داستانی تلخ و غم‌انگیز از غارت منابع طبیعی و به بردگی کشیدن سیاهان مظلوم آن دارد خوشبختانه پس از جنگ جهانی دوم، با گسترش مبارزات آزادیخواهانه و استقلال طلبانه، مردم آفریقا با تقدیم میلیون‌ها کشته و مجروح به تدریج موفق شدند زنجیرهای اسارت را پاره کنند و گوهر استقلال خود را از کف استعمارگران بیرون آورند. اما پس از استقلال هم رژیم‌هایی بر اکثر این کشورها حاکم بودند که در باطن از منافع سلطه‌گران و صهیونیست‌ها، حفاظت و با هر حرکت آزادیخواهانه بشدت مقابله می‌کردند. در این شرایط بهائیان نیز در آفریقا فعال بودند که برای بررسی نقش آنان در کشورهای مختلف، به نمونه‌ها و شواهدی از منابع خودشان استناد می‌کنیم:

اتیوپی

در این کشور که هیچ‌گاه ظاهراً به استعمار در نیامد از سال ۱۹۳۰ تا ۱۹۷۴ راس تافری ملقب به هایله سلاسی حکومت می‌کرد. در سال ۱۹۳۶ با تهاجم ایتالیا و اشغال این کشور، هایله سلاسی به انگلیس رفت و ۵ سال بعد با شکست ایتالیا توسط نیروهای انگلستان و اتیوپی او مجدداً به قدرت رسید. [۱۱]. پیرامون آزادی‌های سیاسی در زمان وی کافی است بدانیم که در طول دوران طولانی حکومت او، هیچ حزب سیاسی در اتیوپی وجود نداشت. [۱۲] هایله سلاسی که خود را امپراطور می‌خواند، به غرب گرایش داشت و متحد آمریکا بود. [۱۳] در سال ۱۹۵۳ هایله سلاسی یک ایستگاه مخابراتی را به آمریکا اجاره داد که در آن زمان یکی از بزرگ‌ترین ایستگاههای استراق مخابراتی ورله رادیویی در جهان بود و از طریق آن، مخابرات رادیویی شوروی در سراسر منطقه را شنود می‌کردند. این پایگاه توسط ۴۰۰۰ نظامی آمریکایی اداره می‌شد. [۱۴] هایله سلاسی روابطی مستحکم با اسرائیل نیز برقرار کرد و ارتش اسرائیل تهیه کننده سلاح برای ارتش اتیوپی بود و مستشاران صهیونیست، آموزش دهنده نظامیان اتیوپیایی بودند. پس از سقوط هایله سلاسی در سال ۱۹۷۴ (۱۳۵۳) توسط منگیستو هایله ماریام و قتل ۵۹ نفر از نزدیکان هایله سلاسی در یک روز و روی کار آمدن رژیم طرفدار شوروی و به ظاهر مخالف با آمریکا، باز هم روابط نظامی با اسرائیل ادامه یافت و حتی مشاوران اسرائیلی، آموزش گارد ریاست جمهوری اتیوپی را بر عهده داشتند که این امر از جایگاه اسرائیلیان و اعتمادی که به آنها وجود داشت حکایت می‌کند. در سال ۱۹۸۴ با موافقت دولت اتیوپی در مدت کوتاهی ۱۰ هزار یهودی فلاشه از اتیوپی به اسرائیل منتقل شدند. [۱۵]. جالب است بدانیم هایله سلاسی در سال ۱۹۴۴ با صدور حکمی، میسیونهای مسیحی غیرارتدوکس را از تلاش برای تغییر مذهب مسیحیان ارتدوکس منع کرد [۱۶] که می‌تواند به این دلیل باشد که مسیحیان به جای درگیری با یکدیگر باید همه تلاش

تبلیغی خود را بر تغییر مذهب مسلمانان متمرکز می‌کردند. در این شرایط به بررسی وضعیت بهائیان در آن کشور می‌پردازیم: در سال ۱۳۵۱ (۱۹۷۲) مراسم «هشتادمین سالروز تولد اعلی حضرت هیلاسلاسی امپراطور اتیوپی» برگزار شد. قرار بود فردی به نام آقای بهتا به نمایندگی از سوی محفل روحانی ملی بهائیان اتیوپی برای تبریک و اهدای یک کتاب بهائی به محل برگزاری مراسم در گراند هتل برود. به نوشته نشریه رسمی محفل ملی بهائیان ایران، فرد مذکور پس از ورود به هتل: «متوجه گردید که با وجود این که نمایندگان بسیاری از دستجات مذهبی در آن جلسه دعوت شده بودند، آجودان اعلی حضرت از نزدیک شدن آنان به امپراطور ممانعت به عمل آورد...» [۱۷]. اما در این هنگام اتفاق عجیبی رخ داد که از روابط ویژه محفل بهائیان با امپراطور پرده برداشت: آقای بهتا چنین می‌نگارد: «من از تقدیم هدیه به حضور امپراطور مأیوس شده بودم که ناگهان امپراطور، آجودان خود را احضار و پس از مختصر گفتگو، آجودان نزد من آمد و مرا به جایگاه امپراطور راهنمایی کرد... به مجرد نزدیک شدن به جایگاه، تبسم بر لبان امپراطور نقش بست و کتاب را به دست خود گرفته و صفحات آن را ورق زدند و این اولین هدیه‌ای بود که امپراطور به دست خود دریافت می‌داشت. امپراطور وعده دادند که کتاب را مطالعه خواهند نمود.» [۱۸]. همان طور که دیدیم در سال ۱۳۵۳ (۱۹۷۴) رژیم هائیه سلاسی سرنگون شد و یک دولت کمونیستی روی کار آمد که با وجود مخالفت با آمریکا، روابط خود را با اسرائیل حفظ کرد و به تدریج گسترش داد. در جریان این انتقال قدرت خونین، جنگ داخلی در اتیوپی در گرفت اما در همان زمان هیأت‌های بهائی به راحتی به فعالیت مشغول بودند و اگر سوء تفاهمی نیز بروز می‌کرد به سرعت رفع می‌شد. در نشریه رسمی بهائیان ایران آمده است که در جریان درگیری و تیراندازیهای معمول روزانه در اسمره روزی در طبقه پایین خانه‌ای که در آن جلسه تبلیغی بهائی برگزار شده بود تیراندازی در گرفت و مأموران ارتش و پلیس به داخل خانه آمدند و متوجه شدند که در طبقه بالای آن مکان جلسه بهائی برقرار است لذا به سراغ بهائیان آمدند اما: «رئیس پلیس [که] از امر [=بهائیت] خبر داشت، افراد خود را فراخوانده و با عذرخواهی... به ما گفت: می‌توانیم برویم و اظهار داشت او می‌داند بهائیان خطرناک نیستند...» [۱۹].

اوگاندا

این کشور تا سال ۱۹۶۲ مستعمره انگلیس بود و پس از استقلال ظاهری تا سال ۱۹۸۳ تحت‌الحمايه انگلستان به شمار می‌رفت. اسلام در این کشور رشد سریعی داشت لذا استعمارگران، مسلمانان را به عنوان دشمن تلقی کرده و با ترفندهای مختلف همچون تقویت میسیونهای مسیحی، عدم اعطای هرگونه پست سیاسی به مسلمانان، پراکنده ساختن مسلمین در سراسر کشور و قتل عام آنان، می‌کوشیدند پیروان اسلام را نابود کنند. [۲۰]. در این کشور، اسرائیل نیز نفوذ فراوان داشت؛ فی‌المثل سال ۱۹۶۳ چند ماه پس از استقلال، ابوته نخستین رئیس کشور اوگاندا به اسرائیل رفت و به دنبال آن مقامات صهیونیست همچون گلدامایر وزیر خارجه (۱۹۶۳)، اشکول نخست وزیر (۱۹۶۶) و آبا ابان وزیر خارجه (۱۹۶۹) از اوگاندا دیدار کردند. سال ۱۹۷۱ یک گروه بان ارتش به نام ایدی امین که در اسرائیل تعلیم دیده بود، با کمک رژیم صهیونیستی دست به کودتا زد. [۲۱] مردم اوگاندا که از دیکتاتورهای کودتاگر این کشور جز غارت، چپاول، تجاوز به زنان، شکنجه و قتل، خاطره‌ای نداشتند به امین هم خوشبین نبودند. این سوءظن صحیح بود زیرا در دوران ایدی امین ۲۰۰ هزار نفر از مردم کشته شدند [۲۲]. حال با این وضعیت که از اوگاندا ترسیم شد به بررسی وضعیت و موقعیت بهائیان در این کشور می‌پردازیم: در ژانویه سال ۱۹۶۱ یعنی در اواخر حضور مستقیم استعمار انگلیس در اوگاندا، ساختمان بهائیان در کامپالا افتتاح شد که مرکزیت این تشکیلات در آفریقا را نیز بر عهده داشته و دارد. این امر از اهمیت اوگاندا برای بهائیت حکایت می‌کند. همچنین این مطلب با توجه به سیاست‌های اسلام ستیزانه انگلیس و اسرائیل - به عنوان دو کشور با نفوذ در اوگاندا - بسیار قابل تامل و دقت می‌باشد بویژه آن که در مراسم افتتاح این مرکز، برادر سلطان محل و نمایندگان رسمی دولت و مقامات عالی‌رتبه کشور اوگاندا نیز حضور داشتند. [۲۳]. در سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰) ایدی امین پس از کودتا و به دست

گرفتن قدرت، از مذاهب بزرگ اوگاندا درخواست کرد که هر یک دو نماینده به مقرر فرماندهی او بفرستند. در این جلسه از فرقه بهائیت نیز به عنوان یک دین، برای حضور در جلسه دعوت به عمل آمد. شایان ذکر است که با این که نمایندگان ادیان بزرگ همچون اسلام و مسیحیت در جلسه حضور داشتند به نوشته نشریه رسمی بهائیان ایران: «بعد از اتمام نطق رئیس جمهور فقط از یک نفر بهائی تقاضا شد بیاناتی ایراد نماید.» آن بهائی نیز فرصت را مغتنم شمرده و: «با صدای بلند یک رساله بهائی را قرائت کرد که متن آن اطاعت از حکومت بود» و رژیم کودتایی ایدی امین نیز از این حُسن سلیقه بهائیان به وجد آمده و: «بعداً این متن از رادیو به تمام زبانهای جاری یوگاندا نیز ترجمه و اعلام گردید.» [۲۴]. در ۱۲ نوامبر ۱۹۷۱ مراسم جشن تولد حسینعلی بهاء در مرکز بهائیان کامپالا برگزار شد و از ایدی امین برای حضور در این مراسم دعوت به عمل آمد که او پاسخ مثبت داد و در مراسم شرکت کرد. به نوشته نشریه رسمی بهائیان ایران در این مجلس: «وزیر امور دینی و وزیر اطلاعات هر دو عظمت بیانات و تعالیم حضرت بهاءالله را تمجید و تحسین نمودند.» [۲۵]. بنا به همین گزارش در ادامه مراسم جناب ایدی امین به «تمجید و تحسین» بهائیان پرداخت «و به پیروان سایر ادیان در اوگاندا نیز توصیه کرد که آنها نیز مانند بهائیان در بین خود متحد و متفق شوند.» [۲۶] بدیهی است رئیس بهائیان اوگاندا نیز که رمز این همه توجه آقای ایدی امین به این فرقه را نیک در یافته بود: «بعد از اظهار تشکر از مراسم ریاست جمهور، به ایشان اطمینان داد که بهائیان اوگاندا در نهایت وفاداری به دولت و رئیس جمهور، به این مملکت خدمت می کنند...» [۲۷] و مطابق روال معمول دولت اوگاندا: «نطق رئیس جمهور و مراسم این جشن توسط تلویزیون و رادیو در سراسر مملکت پخش شد.» [۲۸]. با این حمایت‌ها بهائیان در اوگاندا به راحتی به تبلیغ مشغول بودند و از حمایت‌های سیاسی و بویژه رسانه‌ای دولت نیز کاملاً بهره‌مند می‌شدند. از جمله به نوشته مجله اخبار امری یکی از سران بهائیت به نام ایناک اولینگا در غرب اوگاندا به «سیر و سفر پرداخت در این حال، خبر مسافرت ایشان به زبان انگلیسی و زبانهای محلی از رادیو اعلام شد و روسای قبائل از طرف حاکم نامه‌ای دریافت داشتند و در تشکیل مجامع و احتفالات، برای ملاقات ایشان همکاری و اشتراک مساعی کردند.» [۲۹].

لسوتو

این کشور در مرکز آفریقای جنوبی قرار دارد. در سال ۱۹۶۶ استقلال یافته و در همان سال به عضویت سازمان ملل متحد در آمده است، اما به دلیل موقعیت ویژه جغرافیایی، در سیاست خارجی، همواره تحت تأثیر آفریقای جنوبی است [۳۰] که در آن زمان رژیم تبعیض‌نژادی بر آن حاکم بود و با اسرائیل نیز روابط بسیار دوستانه داشت. بهائیان در این کشور نیز به فعالیت پرداختند و برای ایجاد اطمینان و حُسن ظن، به ملاقات مسؤولان آن رفتند و از جمله پادشاه لسوتو «بی‌هنگ سیس سو» ملقب به موشوشوی دوم، جمعی از بهائیان را در ۱۵ فوریه ۱۹۷۲ در قصر سلطنتی به حضور پذیرفت و به گرمی پذیرایی می‌کرد. در این ملاقات که حدود ۵۰ دقیقه به طول انجامید؛ جملاتی بر زبان اعلی حضرت جاری شد که بیشتر به طنز شباهت دارد. به نوشته نشریه رسمی محفل بهائیان ایران: پادشاه لسوتو سؤالات متعدد درباره وضع امر بهائی در لسوتو و هدف دیانت بهائی به طور عموم مطرح کرد. وقتی که به پادشاه درباره اصل وفاداری به حکومت مطالبی گفته شد، پادشاه در جواب گفت: اگر تمام جهان بهائی شوند، برای زمامداران و پادشاهان، حکومت بسیار آسان خواهد بود. [۳۱].

لیبریا

این کشور در قرن نوزدهم اعلام استقلال کرد. در خلال جنگ جهانی دوم به پایگاه آمریکا در آفریقای سیاه تبدیل شد. [۳۲] در سال ۱۹۴۴ ویلیام توبمن به ریاست جمهوری آن رسید و تا سال ۱۹۷۱ به مدت ۲۷ سال در این مقام باقی ماند و جانشین او ویلیام تولبرت در سال ۱۹۸۰ بایک کودتا برکنار شد. بنا به گزارشی که در شهریور ۱۳۵۵ در وزارت خارجه ایران تهیه شده است، یکی از

سه اصلی که از خصوصیات بارز حیات سیاسی لیبریا به شمار می‌رود: «نفوذ فائق ایالات متحده آمریکا بر زندگی سیاسی و اقتصادی این کشور» است. بنا به همین گزارش: «لیبریا با جهان غرب روابط سیاسی دارد ولی هرگز در صدد برقراری روابط سیاسی با شوروی یا چین برنیامد» [۳۳] که این امر میزان وابستگی این کشور به آمریکا را می‌نمایاند. همچنین کمپانی فایرستون نیز ۴۵۰ هزار هکتار از اراضی درخت کائوچو آن را برای مقاصد خود تصاحب کرده است. در سیاست داخلی نیز این رژیم، نظام تک حزبی را بر کشور حاکم کرده بود [۳۴] که این مساله نیز از اختناق و عدم وجود آزادی‌های اولیه و اساسی در آن سرزمین حکایت می‌کند. به دلیل وابستگی عمیق این کشور به غرب، رئیس جمهور آن، ویلیام توبمن سال ۱۹۶۵ سفری رسمی به اسرائیل داشت که در خلال آن از مرکز بهائیان در حیفا نیز دیدار به عمل آورد. [۳۵]. بهائیان در لیبریا از آزادی عمل و امکانات بسیار زیادی برخوردار بودند آنچنان که در ژانویه سال ۱۹۷۱ (دی ماه ۱۳۴۹) کنفرانس بین‌المللی بهائیان در این کشور برگزار شد و اخبار و گزارشهای آن «از طریق تلویزیون و رادیو و جراید به سراسر کشور اعلان و ابلاغ گردید.» [۳۶]. در این کنفرانس معاون رئیس جمهور لیبریا نیز حضور یافت و طی سخنانی از طرف رئیس جمهور به حضار خوش آمد گفت و «از مآرب و مقاصد دیانت بهائی تجلیل نمود و اظهار امیدواری کرد که تعالیم مشتهر بهاءالله به زودی در عالم مستقر گردد و از این که این کنفرانس در مونرویا برپا شده است، ابراز مسرت نمود و اظهار کرد: «در انجام هرگونه خدمتی حاضر و مفتخر است....» سپس روحیه ماکسول، بیوه شوقی از «این نطق شیوا و فصیح و دلپذیر عمیقاً تقدیر» کرد. [۳۷]. در غروب دومین روز کنفرانس شهردار مونرویا در کنفرانس شرکت کرد و «ضمن عرض خیرمقدم از تمام احباً برای شرکت در ضیافت مجللی که غروب روز سوم در عمارت زیبای شهرداری برپا می‌شد، دعوت نمود و با نهایت خوشرویی، پذیرایی مفصل و مجلل شد.» [۳۸]. در خلال این کنفرانس با روحیه ماکسول مصاحبه‌های مختلف رادیو - تلویزیونی و مطبوعاتی برگزار می‌شد [۳۹] و در روز پنجم ژانویه «حضرت رئیس جمهور لیبریا و همسرشان با کمال احترام ایشان را پذیرفته» و در این ملاقات ۳۵ دقیقه‌ای «حضرت توبمن رئیس جمهور لیبریا از خاطرات شیرینش از زیارت مقام اعلی [=قبر باب] در جبل کرمل [در اسرائیل] یاد کرده‌اند.» [۴۰]. اندکی بعد به لطف ادعیه زاکیه حضرت بهاءالله رئیس جمهور لیبریا یکباره دار فانی را وداع گفت و مرد. در شب یادبود او به نوشته منابع بهائی: «با وجود آن که بسیاری از کلیساها برای گرفتن برنامه در آن شب تلاش کرده و موفق نشده بودند، از جامعه بهائی خواسته شد در برنامه شرکت جویند. از این رو یکی از اعضای محفل روحانی ملی «مناجات بهائی» را در آن سالن خواند و از آنجا که متوفی «نسبت به امر مبارک [=بهائیت] همواره مساعدت داشت»، جلسه تذکری برای او در مرکز بهائیان برگزار گردید و شرحی راجع به او «بیان شد که رئیس جمهور لیبریا... در سفر خود به اسرائیل موفق به زیارت اعتبار مقدسه بهائی شد و پس از زیارت، بی‌محابا اظهار داشت «هرکس این عتبه را زیارت کند وجود خدا را احساس نماید انسان نیست.» [۴۱]. جالب است که بهائیان تهیه کننده این گزارش نیز که به نظر می‌رسد هنوز در دل خود ایمان به حقانیت حسینعلی بهاء نیاورده‌اند از کلمه «بی‌محابا» برای اظهارات اخیر رئیس جمهور لیبریا استفاده کرده‌اند. [۴۲]. تمام این برنامه از رادیو پایتخت لیبریا پخش گردید و جالب آنکه در برنامه‌ای که از طرف رادیو تلویزیون آن کشور به مناسبت مرگ رئیس جمهور تهیه شد فقط مناجاتهای بهائی خوانده شد. [۴۳].

پاورقی

[۱] شیلی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۷، ص ۵۷.

[۲] کیهان، سه شنبه ۲۱ آذر ۱۳۸۵، ش ۱۸۶۸۸، ص ۱۶.

[۳] اخبار امری، سال ۱۳۵۷، ش ۶، صفحات اول و دوم جلد.

[۴] اخبار امری، اردیبهشت ۱۳۴۷، ش ۲، صص ۱۱۵-۱۱۱.

- [۵] همان.
- [۶] همان.
- [۷] همان.
- [۸] حسین التریکی، صهیونیزم در آرژانتین، ترجمه علی منتظمی، صص ۱۸ - ۱۶.
- [۹] آرژانتین، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۴، صص ۵۴ - ۵۲.]
- [۱۰] اخبار امری، مهرماه ۱۳۵۱، ش ۱۱، ص ۳۵۲.
- [۱۱] اتیوپی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱، صص ۱۱ - ۱۰.
- [۱۲] همان، ص ۶۳.
- [۱۳] همان، ص ۶۸.
- [۱۴] همان، ص ۷۴.
- [۱۵] همان، صص ۸۰ - ۷۸.
- [۱۶] همان، ص ۲۵.
- [۱۷] اخبار امری، سال ۱۳۵۱، ش ۱۴، صص ۴۴۸ - ۴۴۹.
- [۱۸] همان، ص ۴۴۹.
- [۱۹] اوگاندا، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴، صص ۱۰ - ۹.
- [۲۰] همان، صص ۱۰ - ۹.
- [۲۱] همان، ۱۳۷۴، ص ۴۴.
- [۲۲] همان، ص ۴۶.
- [۲۳] آهنگ بدیع، سال ۱۳۳۹، ش ۱۱، صص ۳۵۹ - ۳۵۵.
- [۲۴] اخبار امری، سال ۱۳۵۰، ش ۴، ص ۱۳۹.
- [۲۵] همان، ش ۱۷، صص ۵۹۵ - ۵۹۴.
- [۲۶] همان، صص ۵۹۶ - ۵۹۵.
- [۲۷] همان، ص ۵۹۶.
- [۲۸] همان.
- [۲۹] اخبار امری، سال ۱۳۵۵، ش ۱، صص ۸ - ۷.
- [۳۰] اطلاعات کلی درباره کشورهای آفریقایی، اداره ششم سیاسی وزارت خارجه، شهریور ۱۳۵۵، ص ۹۷.
- [۳۱] اخبار امری، سال ۱۳۵۱، ش ۵، ص ۱۵۲.
- [۳۲] دائرة المعارف تاریخ عمومی جهان، ترجمه: محمود بهفروزی، نشر قطره، ج ۳، ص ۹۶۶.
- [۳۳] اطلاعات کلی درباره کشورهای آفریقایی، اداره ششم سیاسی وزارت خارجه، شهریور ۱۳۵۵، ص ۴۷.
- [۳۴] اطلاعات کلی درباره کشورهای آفریقایی، ص ۴۷ و دائرة المعارف تاریخ عمومی جهان، ج ۳، ص ۹۶۶.
- [۳۵] آهنگ بدیع، سال ۱۳۴۴، ش ۴۲۰.
- [۳۶] اخبار امری، سال ۱۳۴۹، ش ۱۴، ص ۴۲۰.
- [۳۷] آهنگ بدیع، سال ۱۳۴۹، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۹.

[۳۸] همان، ص ۲۸۹ و اخبار امری، سال ۱۳۴۹، ش ۱۴، ص ۴۲۰.

[۳۹] آهنگ بدیع، سال ۱۳۴۹، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۲۸۹.

[۴۰] اخبار امری، سال ۱۳۴۹، ش ۱۴، ص ۴۲۰.

[۴۱] اخبار امری، سال ۱۳۵۰، ش ۱۱، صص ۳۹۳-۳۹۲.

[۴۲] اخبار امری، سال ۱۳۵۰، ش ۱۱، صص ۳۹۳-۳۹۲.

[۴۳] همان، ص ۳۹۳.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

آزاد کردن بنده دارد.»



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

